خبر

گلستان در عدالت سلامت از سایر استان‌ها عقب است

نماینده ولی‌فقیه در گلستان با اشاره به عدالت در سلامت، گفت: گلستان در عدالت سلامت از سایر استان‌های کشور عقب است و باید خدمات بهداشتی درمانی در مناطق محروم و مرزنشین را بیشتر کنیم. به گزارش مهر، آیت‌الله سید کاظم نور مفیدی در دیدار با رئیس دانشگاه علوم پزشکی و مجموعه مربوطه ضمن تبریک سال نو، اشاره‌ای به مشکلات مردم داشت و اظهار کرد: مهم‌ترین بحث این است که مردم احساس کنند مسئولان دلسوزی دارند و روابط مسئولان با مردم یک رابطه سالم است. وی با اشاره به بحث عدالت در سلامت، افزود: استان گلستان در بحث عدالت از سایر استان‌های کشور عقب‌تر است و باید سعی شود خدمات بهداشتی درمانی را در مناطق محروم و مرزنشین بیشتر کنیم. نماینده ولی‌فقیه در گلستان ضمن تأکید بر ساخت و تکمیل بیمارستان مراوه‌تپه، گفت: این مرکز باید هرچه سریع‌تر ساخته و در اختیار مردم منطقه قرار گیرد. عبدالرضا فاضل، رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان در ادامه این دیدار اظهار کرد: کنترل هزینه‌ها و انضباط مالی یکی از برنامه‌های اصلی دانشگاه در سال ۹۶ بود. وی افزود: علیرغم محدودیت‌های مالی و مطالبات بیمه‌ای که وجود داشت توانستیم پرداختی‌های پرسنل را مدیریت کنیم. رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان با اشاره به پروژه اورژانس پنجم آذر گرگان، گفت: تمام تلاش به این است پروژه اورژانس پنجم آذر گرگان با ۴۵ درصد پیشرفت فیزیکی، ۳۲ میلیارد تومان بودجه، ۲۵ میلیارد تومان تجهیزات پزشکی با ۱۳۰ تخت در دی ماه سال جاری به بهره‌برداری برسد. وی در خصوص پروژه ۳۲۰ تختخوابی بیمارستان آیت‌الله طاهری گرگانی، خاطرنشان کرد: با تعاملات خوبی که صورت گرفت مجوز بیمارستان فوق از ۳۲۰ تخت به ۶۰۰ تخت افزایش یافت.

«»

برخی از مراکز درمانی گلستان با استانداردهای لازم فاصله دارد

رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: علیرغم توسعه امکانات و تجهیزات درمانی در گلستان اما به دلیل محدودیت‌های اعتباری با استانداردهای لازم فاصله‌داریم. به گزارش مهر، عبدالرضا فاضل در بررسی وضعیت بهداشت و درمان شهرستان کردکوی بابیان اینکه تحولات بسیار خوبی در بحث سلامت و درمان توسط دولت تدبیر و امید صورت گرفت، اظهار کرد: طی چهار سال گذشته بیش از ۴۰۰ تخت بیمارستانی در استان افزایش داشت. وی افزود: علیرغم توسعه امکانات و تجهیزات درمانی در بیمارستان امیرالمؤمنین (ع) کردکوی که اتفاق افتاده اما به دلیل محدودیت‌های اعتباری با استانداردهای لازم فاصله‌داریم. قائم‌مقام وزیر و رئیس دانشگاه‌علوم‌پزشکی گلستان بیمارستان کردکوی را به لحاظ شاخص‌های ارزیابی جزو مراکز درمانی برجسته و موفق استان دانست و گفت: این مرکز به‌عنوان ظرفیت درمانی ارزشمند برای استان محسوب می‌شود که سیاست دانشگاه هم تقویت متناسب آن خواهد بود. گفتنی است نیازهای تجهیزاتی بیمارستان همچون سی‌تی‌اسکن، پمپ قلب جدید، آندوسکوپی، کمبود پزشک، کادر تخصصی، توسعه و تقویت بخش فوق تخصصی قلب، احداث سالن آموزشی آمفی‌تئاتر، ظرفیت احداث دانشکده داروسازی و غیره از مواردی بود که قرار شد بر اساس اولویت مورد رسیدگی دانشگاه علوم پزشکی گلستان قرار گیرد.

«»

رشد ۱۳ درصدی مصرف بنزین در گلستان

سرپرست شرکت فرآورده‌های نفتی گلستان از رشد ۱۳ درصدی مصرف بنزین در تعطیلات نوروز خبر داد و گفت: روزانه بیش از ۲ میلیون لیتر بنزین در نوروز مصرف شد. محمد حبیبی در گفتگو با فارس اظهار کرد: مصرف بنزین در تعطیلات نوروز امسال در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۳ درصد رشد داشت و روزانه در تعطیلات نوروزی بیش از ۲ میلیون لیتر بنزین در استان گلستان مصرف شد. وی تصریح کرد: از ۲۹ اسفند سال ۱۳۹۶ الی ۱۷ فروردین ۱۳۹۷ که جزو تعطیلات نوروز محسوب می‌شود حدود ۳۵ میلیون لیتر بنزین در سطح استان توزیع شد. سرپرست شرکت فرآورده های نفتی گلستان افزود: در بخش سی.ان.جی با رشد پنج درصدی مواجه بودیم به طوریکه رشد مصرف سی.ان.جی در برخی روزها به ۸۰۰ هزار مترمکعب رسید.

مشکلات مردم مراوه تپه در تامین آب شرب

ایرنا– گر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی این بیت شعر سعدی، حکایت پر غصه و پر رنج تامین آب شرب در دورترین شهرستان استان گلستان یعنی مراوه تپه و روستاهای آن است. خشکسالی و برداشت های بی رویه از منابع آبی زیر زمینی اگرچه سال هاست زنگ خطر کمبود منابع آبی و بحران آن را در اقصی نقاط کشور و نیز استان گلستان به صدا درآورده اما هنوز به نظر می رسد مورد توجه جدی مسئولان و مردم قرار نگرفته است. با این حال، توجه به این هشدارها شامل مردم و مسئولانی است که منابع تامین آب مثل چاه ها و سدها را دارند اما مناطقی از کشور مانند شهرستان مرزی مراوه تپه درمنتهی الیه شرق استان گلستان نیز وجود دارد که تنها امید و چشم مردم و مسئولان آن برای تامین آب شرب مورد نیازشان به آسمان و بارش نزولات آن دوخته شده است. افزون بر ۶۰ هزار نفر از مردم این دیار ایران اسلامی که بیشتر در مناطق کوهستانی و مرتفع سکونت دارند، به جز آب باریکه ای که از چند دهنه چشمه کوچک و برخی منابع آبی سطحی تامین می شود، به دلیل بافت زمین و سنگلاخی بودن در بیشتر مناطق آن امکان دسترسی به منابع آب زیر زمینی با حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق ندارند. با این حساب اگر بارش نزولات آسمانی در سالی کم شود مردم این دیار تابستانی سخت در پیش خواهند داشت، مضاف بر اینکه هم اکنون نیز تامین آب و آبرسانی به مناطق کوهستانی مراوه تپه با مشکلات جدی مواجه است. مدیر امور آب و فاضلاب روستایی مراوه تپه گفت: این شهرستان ۱۰۵ روستای دارای کد شناسایی و دو نقطه شهری دارد و درمجموع ۷۶٫۳ درصد جمعیت از نعمت آب شرب بهره مند هستند. سیدمحمود زین الدین بابیان اینکه مراوه تپه شرکت آب و فاضلاب شهری ندارد و همه مسائل مربوط به تامین آب شرب و آبرسانی به نقاط جمعیتی بر عهده آب و فاضلاب روستایی است، افزود: این شهرستان از دو بخش مرکزی با ۵۵ روستا و یک نقطه شهری و بخش گلیداغ با ۵۰ روستا و یک نقطه شهری تشکیل شده است. وی اضافه کرد: درحال حاضر میزان بهره مندی از آب شرب سالم در بخش مرکزی ۸۷٫۵ درصد و دربخش کوهستانی گلیداغ ۶۳٫۸ درصد است و به بقیه روستاها با چهار دستگاه تانکر سیار آبرسانی می شود. زین الدین تصریح کرد: هم اکنون به ۲۴ روستای فاقد آب شرب به صورت سیار و هر هفته یک بار آبرسانی می شود و سرانه تخصیصی آب به هر نفر در این مناطق تنها ۲۰ لیتر در شبانه روز است. مدیر امور آب و فاضلاب روستایی مراوه تپه مهمترین مشکل تامین آب شرب این شهرستان مرزی و کوهستانی را نداشتن منابع آب زیر زمینی، پراکندگی روستاها و در ارتفاع قرار گرفتن مناطق جمعیتی برشمرد و گفت: در برنامه چشم انداز تامین آب شرب این شهرستان دو منبع شامل سد نرماب چهل چای مینودشت برای بخش مرکزی و تکمیل مجتمع آبرسانی زاو برای بخش گلیداغ پیش بینی شده است. زین الدین افزود: تکمیل این دو منبع آبی به چند صد میلیارد تومان اعتبار از منابع ملی نیاز دارد که باید مورد پیگیری جدی مسئولان گلستان قرار گیرد تا مشکل کمبود آب مراوه تپه و دیگر شهرهای واقع در شرق این استان رفع گردد. وی ادامه داد: درحال حاضر بیشترین مشکل کمبود آب شرب شهرستان مراوه تپه مربوط به بخش کوهستانی آن یعنی گلیداغ است که ۶۳۸ درصد جمعیت حدود ۲۷ هزار نفری آن از نعمت آب شرب بهره مند هستند و به ۱۸ روستای بدون آب با جمعیت تقریبی هفت هزار نفر با تانکر آبرسانی می شود. مدیر امور آب و فاضلاب روستایی مراوه تپه خاطرنشان کرد: رفع مشکل آب شرب این بخش با تکمیل مجتمع آبرسانی زاو که تامین آب شرب ۳۰ روستای این بخش درآن پیش بینی شده محقق می شود. زین الدین گفت: تکمیل این پروژه که مشترک بین دو شهرستان کلاله و مراوه تپه است، در حوزه این شهرستان به حداقل یک هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد و تاکنون فقط یک روستای بخش گلیداغ مراوه تپه از نعمت آب از محل این مجتمع برخوردار شده است. وی افزود: بخشی از آب مورد نیاز مردم این بخش کوهستانی از برخی چشمه های کوچک با مجموع دبی سه لیتر در ثانیه تامین می شود درحالی که نیاز آب شرب این بخش حداقل ۱۰ لیتر در ثانیه است. زین الدین با نامناسب دانستن وضعیت آب شرب شهرستان مراوه تپه، اضافه کرد: تنها امید مردم این دیار بارش نزولات آسمانی است که اگر بموقع و به اندازه نبارد، با مشکلات جدی مواجه می شوند. درهمین پیوند فرماندار مراوه تپه نیز گفت: بیشترین مشکل این شهرستان در بحث تامین آب شرب مربوط به کمبود منابع آبی است که همین امر سبب شده تا به ۲۵ روستا با تانکر آبرسانی شود. اسماعیل تاجی افزود: هرساله از محل منابع شهرستانی مبلغ ۵۰ میلیارد ریال اعتبار برای تامین آب شرب و زیرساخت های آن اختصاص می یابد و به همین میزان نیز از منابع ملی تامین می گردد تا مردم مشکلات کمتری را تحمل نمایند. وی گفت: درحال حاضر با همکاری شرکت آب و فاضلاب روستایی، زیرساخت ها، احداث مخازن و شبکه آبرسانی در بسیاری از روستاهای مراوه تپه بویژه روستاهای بالای ۵۰۰ نفر جمعیت فراهم شده اما مشکل اصلی در روستاهای کوچک و دور افتاده است که نیاز به تانکر آبرسانی داریم. تاجی با بیان اینکه هم اکنون با استفاده از دو تانکر آبرسانی متعلق به مراوه تپه و دو تانکر کمکی از شهرستان کلاله به روستاهای بدون آب این شهرستان آبرسانی می شود، اضافه کرد: در شرایط فعلی حداقل به سه تانکر آبرسانی دیگر نیاز داریم که با رایزنی های انجام شده قرار است یک تانکر ازسوی قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا سپاه پاسداران تامین شود. وی تصریح کرد: زیرساخت ها و شبکه آبرسانی در چند روستای مراوه تپه نیز در حال اجرا است و تا ماه مبارک رمضان امسال به شبکه آبرسانی وصل و از مجتمع آبرسانی زاو شرقی تامین آب می شوند. فرماندار مراوه تپه ادامه داد: رایزنی هایی با برخی کشاورزان مراوه تپه که منابع آبی دارند شده تا برای تامین بخشی از نیاز آب شرب مناطق روستایی با شرکت آب و فاضلاب روستایی همکاری نمایند. تاجی ابراز امیداوری کرد، با تکمیل مجتمع آبرسانی زاو مراوه تپه و سد نرماب و چهل چای شهرستان مینودشت، مشکل کمبود آب شرب مردم این شهرستان مرزی مرتفع شود. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی گلستان نیز گفت: اقدامات خوبی در سال های اخیر برای ایجاد زیرساخت ها و نیز شبکه آبرسانی در مراوه تپه انجام شده و جمعیت قابل توجهی از مردم این شهرستان مرزی از نعمت آب شرب برخوردار هستند. مهدی شیکبافر افزود: برای رفع کامل مشکل کمبود آب شرب در مراوه تپه بویژه روستاهای بدون آب این شهرستان نیاز به تکمیل پروژه ملی مجتمع آبرسانی زاو است که نقشه و پلان آن نیز تهیه شده است.وی با بیان اینکه تکمیل مجتمع آبرسانی زاو و خطوط انتقال آن به حداقل ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد ریال اعتبار ملی نیاز دارد، اضافه کرد: پیگیری های لازم در این مورد انجام شده ولی نیازمند کمک و همراهی مسئولان گلستان و نمایندگان مجلس است. معاون مهندسی توسعه شرکت آب و فاضلاب روستایی گلستان نیز گفت: با توجه به محدودیت های منابع مالی و بودجه ای و تخصیص های پایین آن در سال های اخیر، باید برای تکمیل چند مجتمع آبرسانی استان از جمله مجتمع زاو بخش گلیداغ مراوه تپه از سایر سرفصل های منابع مالی ملی، اعتبار پیش بینی شود. امیر هوشنگ رسولی افزود: اگرچه در سال گذشته از محل اعتبارات صندوق توسعه ملی مبلغ ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای استان گلستان پیش بینی شد که تاکنون ۷۰ درصد آن نیز تخصیص یافته است، اما صرفا برای مجتمع زاو گلیداغ باید اعتبارات ویژه تعریف شود.وی اضافه کرد: مشکل اصلی کم آبی در برخی مناطق روستایی شهرستان مرزی مراوه تپه کمبود منابع آبی است که با تکمیل مجتمع آبرسانی زاو گلیداغ که به اعتبارات ملی نیاز دارد، این مشکل رفع می شود.

پادگان گرگان در صورت تامین اعتبار از سوی استانداری گلستان جابه جا می‌شود

ارشد نظامی آجادر گلستان گفت: پادگان گرگان در صورت تامین اعتبار از سوی استانداری گلستان جابه جا می‌شود. به گزارش تسنیم، امیر سرتیپ دو ستاد مهدی معمارباشی ضمن گرامیداشت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران و ۲۹ فروردین ماه اظهار داشت: با پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان درصدد برآمدند که با این نهال نوپا با این پدیده که سبب دگرگونی راهبردهای جهانی و منطقه‌ای شده بود را شکست دهند. ارشد نظامی آجادر استان گلستان یادآور شد: وجود نیروی مسلح متحد در کشور در کنار دیگر نیروهای اطلاعاتی و دستگاه‌هایی که در این زمینه همکاری می کنند یک امنیت پایدار در کشور به ارمغان آورده است. معمارباشی افزود : امنیت در کشور مرهون زحمات و تلاش خادمین انقلاب و افرادی است که در لباس سربازی از انقلاب در کشور تلاش می‌کنند و امید داریم بتوانیم پاسداشت یاد و خاطره شهدا در ارتش جمهوری اسلامی باشیم و در امر سازندگی کشور پرتلاش حاضر شویم.ارشد نظامی آجا در استان گلستان گفت: جابه‌جایی پادگان‌ها مربوط به امروز نیست و از یک دهه گذشته مطرح شده و برخی از پادگان‌هایی که در کشور در وسط شهر قرار گرفته بودند، انجام شده‌است.وی تصریح کرد: برای این امر مکان مناسب از نظر پدافند غیرعامل برای احداث پادگان باید در نظر گرفته شود و این اقدام باید انجام شود. ارشد نظامی آجا در گلستان گفت: یکی از پادگان‌هایی که در دستور کار است پادگان گرگان است و استانداری برای تامین اعتبار و ساخت پادگان باید اقدام کند و در صورت این امکان استقبال می‌کنیم. معمارباشی افزود: تجربه ما نشان می‌دهد که در سال‌های گذشته پادگان‌هایی که فروخته شده استفاده بهینه به منظور فضای سبز و پارک انجام نشده و اگر این اتفاق انجام شود و محل مناسب و اعتبار مورد نیاز بدهند و فضای سبز انجام شود از جابه‌جایی استقبال می‌کنیم.

آگهی‌های ثبتی

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۴۱ مورد تقاضای آقای گلدی ایری فرزند رجب محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۵۹۵۲۶۴ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۵۶۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی احمد آقا ایری واقع در اراضی انار مرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۲)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۴۲ مورد تقاضای آقای گلدی ایری فرزند رجب محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۵۹۵۲۶۴ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۳۶۳,۷۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی کریم بردی ایری واقع در اراضی انار مرز بخش ۲ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۳)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۴۴ مورد تقاضای آقای احسان صادقی فرزند حلیم به شماره ملی ۲۲۳۹۹۷۹۷۳۹ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۱۹۱,۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۵ اصلی به مالکیت رسمی حاج امانقلی صادقی و عبدی سقلی واقع در اراضی انار مرز بخش ۲ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۴)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۳۶ مورد تقاضای خانم ربابه آل نبی فرزند میر ممی به شماره ملی ۶۰۲۹۶۶۸۳۹۰ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۶۳ فرعی از ۱ اصلی از سهمی آقای عبدالرزاق سید قاسمی احدی از مالکین مشاعی واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۵)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۸۳ مورد تقاضای آقای عبدالحکیم ساتلخی فرزند آنا محمد به شماره ملی ۲۲۳۰۱۱۱۰۲۷ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۷۵ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک شماره ۱۳۱۴ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای امان پساوند واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۶)کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۵۱۸ مورد تقاضای آقای عبدالوهاب ساری خانی فرزند حالی جان به شماره ملی ۲۲۳۹۵۱۶۲۴۰ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت کلی ۱۹۴۰۰,۹۵ متر مربع مشتمل بر ۳ قطعه : قطعه اول تمامت پلاک ۱۰۳۰ فرعی از یک اصلی بخش ۳ حوزه ثبت بندرترکمن به مساحت ۱۳۳۷۹,۵۰ متر مربع ، قطعه دوم قسمتی از پلاک ۹۳۶ فرعی از یک اصلی بخش ۳ حوزه ثبت بندرترکمن به مساحت ۴۷۰۷,۵۸ متر مربع ، قطعه سوم قسمتی از پلاک ۱۰۲۹ فرعی از یک اصلی بخش ۳ حوزه ثبت بندرترکمن به مساحت ۱۳۱۳,۸۷ متر مربع ، به مالکیت رسمی آقای الله نظر ایری و عراز محمد ایری و شاه نظر کر واقع در اراضی بندرترکمن بخش ۳ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۷)کلاسه ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۱۹ مورد تقاضای آقای محمود قاضلی کر فرزند شاه محمد به شماره ملی ۲۲۳۹۷۹۸۵۱۳ نسبت به مقدار ۲۱۵۹۰ متر مربع مشاع از ششدانگ عرصه یک قطعه زمین زراعی بمساحت ۳۰۲۰۰۰ متر مربع به پلاک ۷۷۳ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی از سهمی آقای اراز قلی صداقت احدی از مالکین مشاعی واقع در اراضی خواجه نفس به استثنای پلاک های شماره ۳۰۷۷ فرعی و ۳۴۲۴ فرعی از ۱۰۹۳ اصلی بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۸)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۰۵۷ مورد تقاضای آقای عبدالحکیم کر فرزند خوجه به شماره ملی ۴۹۷۹۱۰۲۰۴۲ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۳۹۱,۳۷ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۲۷۰۰ فرعی از ۱ اصلی به مالکیت رسمی آقای اراز بردی خوزینی واقع در اراضی گمیشان بخش ۴ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۹)کلاسه شماره ۱۳۹۲۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۷۹۴ مورد تقاضای شرکت تعاونی کشاورزی دامداران دشت بناور به شماره ثبت ۳۸۱ و به شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۳۹۸۶۹ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۳۶۷,۳۴ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۹۱ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی قربان اتابای واقع در اراضی سیمین شهر بخش ۵ حوزه ثبتی بندرترکمن.

۱۰)کلاسه ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۹ مورد تقاضای آقای مسعود قره جه فرزند عبدالعظیم به شماره ملی ۲۲۳۰۰۶۴۲۳۱ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۰۷,۹۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۹۹ فرعی از ۶ اصلی به مالکیت رسمی آقای نوری رنج بر واقع در اراضی سیمین شهر بخش ۵ حوزه ثبتی‌بندرترکمن.

۱۱)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۱۳ مورد تقاضای خانم بی بی رابعه طراج فرزند تاج قربان به شماره ملی ۴۸۶۹۵۰۶۵۷۲ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۷۹۷ فرعی از ۹ اصلی به مالکیت رسمی آقای قوینلی باغبانی واقع در اراضی کپورچال بخش ۵ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۱۲)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۸ مورد تقاضای آقای بهروز پنق فرزند ستار به شماره ملی ۶۲۸۹۸۸۶۳۱۲ ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۷۲۵,۸۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۷ فرعی از ۱۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد کمی واقع در اراضی سیمین شهر بخش ۵ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

۱۳)کلاسه شماره ۱۳۹۶۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۰۰۱۰۴ مورد تقاضای خانم بیرام تاج کتوک فرزند عبدالحکیم به شماره ملی ۶۲۸۹۵۰۳۰۹۱ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۹۸۴۷,۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۷ فرعی از ۱۲ اصلی به مالکیت رسمی آقای محمد کمی واقع در اراضی سیمین شهر بخش ۵ حوزه‌ثبتی بندرترکمن.

هیات حل اختلاف مستقر در ثبت اسناد و املاک بندرترکمن بشرح آرای صادره با تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل از پلاکهای مندرج را تائید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شد پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد علیهذا به استناد ماده ۳ قانون فوق مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار و محلی آگهی می شود و از اینرو در صورتیکه اشخاص ذینفع به اراء فوق اعتراض دارند می بایست از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت دو ماه (۶۰ روز) اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تسلیم و رسید اخذ نمایند ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست در دادگاه عمومی بندرترکمن نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت اسناد و املاک بندرترکمن تحویل نماید در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت خواهد نمود صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد شد .

سیروس آریافر– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ترکمن– م.الف– ۲/۹۷
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۲/۵

آگهی‌های ثبتی

آگهی مزایده

نظر به اینکه در پرونده اجرایی کلاسه ۱/۹۶/۲۳۶ به موجب دادنامه های شماره ۸۸/۶۳۵ صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی گرگان و ۹۵/۱۳۱۰ صادره از شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان گلستان محکوم علیه آقای رضا باقری ثانی فرزند نوروزعلی به پرداخت مبلغ ۳/۶۰۴/۳۰۱/۵۷۳ ریال بابت اصل خواسته و غیره و نیز پرداخت مبلغ ۱۷۳/۱۲۹/۷۷۱ ریال بابت نیم عشر در حق دولت محکوم گردیده است لذا املاک محکوم علیه واقع در گرگان روستای زیارت توقیف که پس از کارشناسی و انجام تشریفات قانونی از طریق مزایده حضوری بفروش می رسد طالبین خرید می توانند در جلسه مزایده شرکت و پیشنهاد خود را ارائه و تسلیم‌نمایند.

(توصیف اجمالی اموال بر اساس ماده ۱۳۸ قانون اجرای احکام مدنی)

۱ ـ یک قطعه زمین به مساحت تقریبی ۲۱۶ مترمربع عرصه به مالکیت محکوم علیه آقای رضا باقری ثانی فرزند نوروزعلی واقع در گرگان روستای زیارت انتهای کوچه شهید گل محمدی درب آهنی روبروی کوچه ملک دستارمی که ابعاد آن ۱۲*۱۸ دارای اعیانی ویلایی یک طبقه با زیربنای حدود ۱۴۵ مترمربع با قدمت حدود ۲۲ سال در تصرف محکوم علیه دارای انشعابات آب، برق و گاز می باشد که پس از کارشناسی به مبلغ ۵۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲ ـ یک قطعه زمین به میزان دو سهم از پانزده سهم (چهارصد مترمربع از سه هزار مترمربع) به مالکیت محکوم علیه آقای رضا باقری ثانی فرزند نوروزعلی واقع در گرگان روستای زیارت به فاصله ۵/۵ کیلومتری از جاده زیارت ـ آبشار منطقه معروف به گرگلو(گرگ رو) که محاط آن در تصرفات حاج احمد عسگری، عباس علاالدین و ورثه کوه زاد به فاصله حدود یکصد متری ورودی زمین احمد عسگری استقرار داشته و بنا به اظهار جاده صحرائی از آن عبور نموده و فاقد ساختمان، تاسیسات، حصار، منابع آبی و اشجار بوده و در اضلاع شمالی و غربی آن تصرفات اشخاص با احداث اعیانی مشهود می باشد که پس از کارشناسی میزان سهم محکوم علیه از ملک موصوف (دو سهم از پانزده سهم) به مبلغ ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳ ـ یک قطعه زمین به مساحت ۶۴۹ مترمربع زمین تفکیک شده سهمی محکوم علیه آقای رضا باقری ثانی فرزند نوروزعلی واقع در گرگان روستای زیارت منطقه کفترخوسه بازکومه به مازوچال بشرح نقشه تفکیکی موجود حدود سه کیلومتر تا روستای زیارت، فاقد ساختمان، تاسیسات، حصار و اشجار می باشد که پس از کارشناسی به مبلغ ۲۵۹/۶۰۰/۰۰۰ ریال مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴ ـ یک قطعه زمین به مساحت ۵۰۰ مترمربع به مالکیت محکوم علیه آقای رضا باقری ثانی فرزند نوروزعلی واقع در گرگان روستای زیارت سمت راست جاده آبشار و رودخانه و جنوب روستای زیارت که حدود اربعه آن شمالا تصرفات و اعیانی رمضان و قربان علاالدین، جنوبا و شرقا رودخانه و غربا راه مالرو می باشد فاقد ساختمان، تاسیسات، اشجار و حصار می باشد که پس از کارشناسی به مبلغ ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مورد ارزیابی قرار گرفته است.

(زمان و مکان مزایده)

۱ ـ زمان مزایده: ۱۳۹۷/۲/۱۰ از ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۱/۰۰ صبح

۲ ـ مکان مزایده: دفتر شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری گرگان

(شرایط مزایده)

۱ ـ مزایده از مبلغی که توسط کارشناس تعیین گردیده شروع و برنده مزایده کسی است که بالاترین مبلغ را در جلسه مزایده قبول نماید.

۲ ـ برنده مزایده می بایست ۱۰ درصد مبلغ مورد پیشنهاد را نقدا به حساب سپرده دادگستری توديع و مابقی آن را ظرف یکماه از تاریخ اجرای مزایده به حساب ۲۱۷۱۲۹۴۷۷۸۰۰۰ سپرده دادگستری واریز و قبض آن را تسلیم دفتر شعبه نمایند در غیر اینصورت وفق ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام مدنی ۱۰درصد سپرده پس از کسر هزینه های اجرایی بنفع دولت ضبط و آگهی مزایده برای مرحله بعد تجدید خواهد شد.

۳ ـ طالبین خرید می توانند یک هفته قبل از اجرای مزایده با هماهنگی این اجرای احکام از ملک توقیف شده بازدید نمایند.

۴ ـ تحویل ملک پس از تایید صحت مزایده از ناحیه دادگاه صادر کننده اجرائیه خواهد بود. در صورت عدم تائید صحت مزایده این اجرا مسئولیتی در رابطه با خریدار ندارد و فقط مبلغ توديع شده عودت خواهد شد.

۵ ـ کلیه هزینه های نقل و انتقال ملک/ زمین اعم از مالیات عوارض و هزینه دفترخانه و غیره برعهده برنده مزایده است.

۶ ـ مزایده با حضور نماینده محترم دادستان دادسرای عمومی و انقلاب گرگان و نماینده اجرای احکام مدنی انجام خواهد شد.

دفتر شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری گرگان ـ ۱۲۲۲– م. الف

خبر

راه آهن نیازمند سرمایه گذار است

استاندار گلستان با تصریح بر اینکه اعتبارات دولتی تکافوی نیازهای توسعه ای استان را نمی دهد؛ گفت: به دنبال جذب سرمایه گذار در حوزه های مختلف از جمله برای احداث راه آهن گرگان – مشهد هستیم. به گزارش ایرنا، سیدمناف هاشمی افزود: قرار است عملیات برقی کردن راه آهن اینچه برون، گرگان، تهران –گرمسار با اعتبار ۱٫۲ میلیارد یورو آغاز شده و از محل همین فاینانس خارجی راه آهن گرگان – مشهد نیز عملیاتی شود. استاندار گلستان اضافه کرد: وزیر راه و شهرسازی تخصیص ۱۰۰ میلیون دلار برای خط آهن گرگان – مشهد را مورد موافقت قرار داده اما همچنان به دنبال سرمایه گذار در این حوزه هستیم تا کار شتاب گیرد. هاشمی گفت: با در نظر گرفتن زیرساخت های گلستان و توجیه داشتن سرمایه گذاری های جدید؛ از حضور صاحبان سرمایه داخلی و خارجی در عرصه های مختلف به ویژه در حوزه گردشگری، صنعت، کشاورزی، آب و نیروگاه استقبال و حمایت می کنیم.وی اظهار داشت: گلستان به لحاظ اقتصادی رتبه ۲۲ و به لحاظ جمعیتی رتبه ۲۱ استان های کشور را دارد اما با اهتمام دولت و تلاش مسوولان استانی باعث شد سال گذشته در زمینه رفع موانع تولید با جذب ۱۱۰ هزار میلیارد ریال سپرده در بانک ها و تخصیص یک هزار میلیارد ریال تسهیلات رتبه پنجم کشور را کسب کنیم. هاشمی گفت: تلاش مسوولان بویژه استانداران پیشین باعث شد در سه بخش صنعت، کشاورزی و گردشگری شرایط نسبتا خوبی در گلستان فراهم شود اما برای رسیدن به نقطه ایده آل و عدالت توسعه ای نیازمند تلاش و اعتبارات بیشتر هستیم. استاندار تلاش برای راه اندازی منطقه آزاد تجاری اینچه برون در مرز گلستان با ترکمنستان را مورد اشاره قرار داد و افزود: این مهم سبب تسهیل ارتباط و توسعه مبادلات به قفقاز و آسیای میانه می شود و انتظار داریم مجلس آن را تصویب کند.

«»

۵۷ درصد پرونده ها در گلستان با سازش مختومه شد

رییس شورای حل اختلاف گلستان گفت: درسال گذشته ۱۶ هزار پرونده به درخواست طرفین دعوا به شعب صلح این شورا ارسال که ۵۷ درصد آنها با سازش طرفین مختومه شد. به گزارش ایرنا از دادگستری، احمد جعفری اظهار کرد: شهرستانهای گرگان و مینودشت به ترتیب بیشترین و کمترین میزان ورودی پرونده به شعب صلحی شورای حل اختلاف استان را داشتند. شعب صلحی در دادگستری ها و دادسراها مستقر بوده و به جای صدور رای، طرفین پرونده را به سازش و گذشت دعوت می کنند. وی همچنین از مختومه شدن ۲۱ هزار و ۶۳۷ پرونده در اجرای احکام شوراهای حل اختلاف استان در سال ۹۶ خبر داد و گفت: گرگان با بیش از شش هزار مورد بیشترین تعداد پرونده مختومه اجرای احکام شوراهای گلستان را داشت. جعفری؛ اجرای حکم و دستور دادگاهها و مراجع قضایی را مهمترین مرحله دادرسی دانست و افزود: اگر صدور حکم پشتوانه اجرایی نداشته باشد، ارزشی ندارد و در واقع محکوم‌له در این مرحله به حق خود رسیده و محکوم‌علیه به سزای عمل خود می‌رسد. وی با بیان اینکه گرگان دارای دو شعبه اجرای احکام است، افزود: هم اکنون ۲۰ شعبه اجرای احکام در ۱۸ حوزه قضایی استان فعال است.

»

واگذاری مجوز

شرکت شبکه پردازان اندیشه نگار دوران

دارای سابقه پروانه ۱۲۸ ـ ۳۲ ـ ۱۱ صادره از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی با توجه به واگذاری مجوز ISP خود به شرکت ارتباطات ثابت آوا اروند عدم فعالیت خود را اعلام می کند و جهت پاسخگویی برای مطالبات مشتریان سابق خود با شماره ۲۳۹۱۲۵۱۵ ـ ۰۲۱ پاسخگو خواهدبود.

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

تعلیق در سینمای تجربی معاصر

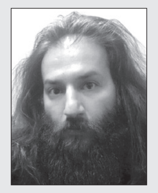

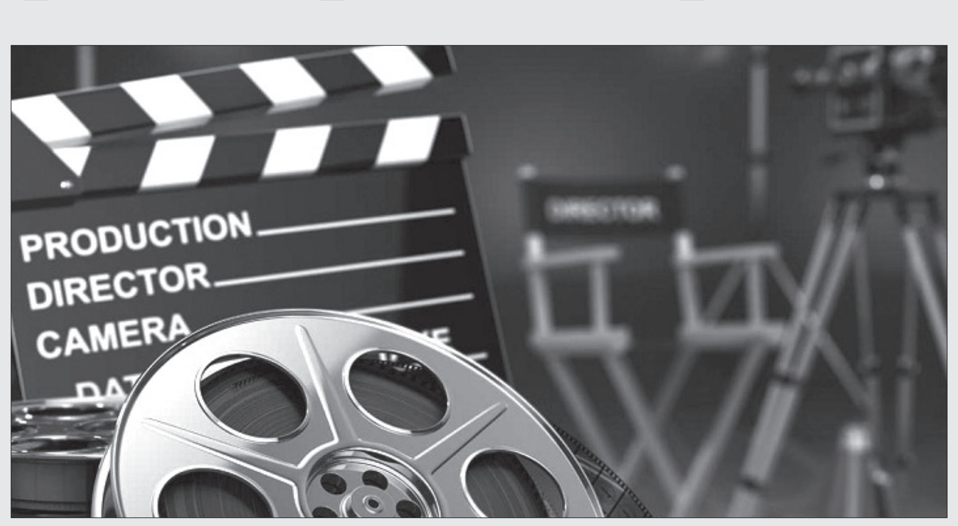

حامد مصطفوی – از این رو من سینماگر تجربی از زاویه خودم و با جدا کردن شاخه ها و آویزان شدن بر روی مطالبی که به صورت ژنتیک ساحت ها القا می شود را بیان می کنم. هر چند بین رشته ای اش از عمق کم یا زیاد سیال شود. شاید عنوان این تیتر «تعلیق در سینمای تجربی معاصر»، موضوع را آغشته کند به وضعیت های کلان تاریخی، اجتماعی_سیاسی، فرهنگی و... اما به نسبتی وضعیت تجربی با سرچشمه فردیت گرایی، طبیعت گرایی، مخیله، دیدگاه من، اصالت من، خلاقیت، شیوه زندگی من، مذهب من و از جانب همین ها ذوق می گیرد و سخن از کلان روایت ها می گشاید و بافت اجتماع را و به تبع آن، وضعیت سیاسی و بعد تاریخی را دچار من گرایی می کند. با تیتر تعلیق در سینمای تجربی معاصر حالت طبیعی ای از درک شرایط اجتماعی در گستره زبان فارسی به ذهن می رسد که با همه ابعاد «سینمای تجربی معاصر» سر و کار دارد؛ حوزه های متفاوت جامعه شناسی، روان شناسی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی و... را می طلبد که در این وضعیت جدی و نا جدی انسجام سازو کار بین رشته ای علوم از شرح نظم اجتماعی ایران ۹۶ خارج است ...

فیلم تجربی ذهنیت فردگرایی با زوایایی که به من و در ادامه به نظرگاه من در قاب سینما ختم می شود را ساختار ورودی خود به ارتباط کرده است و از درون قاب نهایی، فرم اش؛ چیزی ست که به واسطه احساس دریافت شود یا در فرآیند شناختی میدان ذهن قرار گیرد و حافظه از نقطه نظر «من» به شیوه فهم تفاوت ها، در بافت فیلم عمل کند. با زمان یا با استفاده از آن، یا چینشی آزاد از زمان. وضعیتی که در نگاه بیرونی به فیلم، شاید کیفیت روان و نوآوری مولف اش را بر جسته کند، اما در کیفیت درونی، تجربه های ادراکی و مفهومی سلبی و ایجابی زندگی مولف را در رهن وضعیت ارتباطی کلان گذاشته و جنبه هایی از محصول را به عنوان خودش (مولف) باز تاب می دهد... در ادامه این نکته و با این فرض ها مسئله پر رنگی که به ذهن می رسد: سینمای تجربی حاصل مشارکت ناشر نمایش، منابع تولید، سینماگر تجربی، سرمایه گذار و مخاطب است تا در جامعه کار کند که همه گزینه هایش از تاریخ ابداع سینمای تجربی معاصر تا الانِ «تیتر» در حالت تعلیق بوده و هست. « مسئله ای که از همیشه تا اکنون بوده و می ماند فیلم های تجربی هستند و نه سینمای تجربی و این به معنای پوشش در تعلیق فیلم تجربی (چه از درون چه از بیرون درون) نیست»... سینمای تجربی معلق است تا شاید اگر فیلم تجربی ساخته شد، بادبان علم کند و نام دیگری بگیرد (قولا!). از طرفی سینمای تجربی معاصر در تعلیق با تجربه گرایی در جامعه واقع است و از همین پی بنا ساختار اندیشه حاکم، ساختمانی را حتی برای مرکز ضد ساختار تجربی قائل نبوده و نیست. چرا که گفتمان بزرگش با گفتمان بزرگ تئوریسین وضعیت تجربی در تضاد است. ظاهر سینمای ایران به خاطر کمبود فیلم های تجربی به مرحله تئوری نرسیده است و این وضعیت تقلیدی پوچ بدون تئوری به هر سمتی تاب می خورد.

در وضعیت تجربی ست که منظور از فرم با استفاده از درک ابزار، شمایل احساسی به خود می گیرد و به محتوا و بیان اثر گذار هدایت می شود و اراده از خلاقیت به برون فشانی تئوری سیال می شود. اما در افق اندیشگی جریان غالب سینمای ایران، کار تجربی مثل حشو در اطراف قصه بوده و هست. حالا که افه های تجربی به فیلم ها سرایت کرده و فیلم که از احساس زندگی، محیطی آزاد برای تجربه نیست، منظور از فرم هم در فیلم های جریان غالب مشخص نیست. از نگاه فرم به تکنیک رسیدن هم فاصله اش طی نمی شود. هر بار نمی شود به شیوه تجربی کاری را انجام داد که دارای خصلت اکتشاف تجربی هنری نزد همزمان مولف و مخاطب باشد و دچار تاخیر در کار روی جامعه و بعد به کلسیون تاریخ سینمای ایران نپیوندد. به این دلیل که جامعه از آن نگاه بخشی، تجربه گرایی را کمتر بازتاب می دهد (میزان بندی نگاه های بخشی را می شود در سینما و در آشفتگی فعلی فرم کل گرای سینمای غالب ایران دید).

فیلم ساز تجربی مشغول در کار ترکیب عناصر فیلم، قوانین جامعه را مقابل خود می بیند که تا اینجای روان فارسی مفاهیم تجربی در شالوده سینمای ایران فرو نرفته یا به رسمیت تحقیقی اش شناخته نشده است. اما چرا با وجود اینکه سینمای بدنه ایران که دارد به پایان اش نزدیک می شود، تعداد فیلم های رنگ گرفته از وضعیت های تجربی و کیفیت خلاقانه آنها قابل ملاحظه شده است؟

این ملاحظه هم اهمیت دارد که آموزش سینما در ایران مثل کارگاه های شعر و داستان نیست که هر شخص بایست به استایل زبانی اش برسد و خلاقیت اش خودش باشد. آموزش سینما از اساس بر پایه تقلید و نمونه گیری از فیلم های آمریکایی و اروپایی استوار شده و مقلد نمی تواند مستقلا چیزی را به نظرش بیاورد که در ذهن اش خلق نشده است. در همین شرایط تعداد فیلم های با رنگ و بوی تجربی افزایش یافته است، بی آنکه وضعیت ذهن تجربی کاملا به فضای تولید حاکم شود. بررسی سینمای تجربی معاصر را با این پرسش واگذار می کنم که «چرا با کاهش مشروعیت سینمای بدنه و ناظر، تعداد فیلم های مدعی تجربی به شکل غیر رسمی افزایش یافته؟» به دامنه تخصصی سیاسی، جامعه شناسی، روان شناسی و فرهنگ و... هدایت می شود که در همه مجال های بین رشته ای یک رشته ای مقابل همه رشته ها فاصله گذاری می کند. اما چیزی تجربی مرتبط با تیتر «تعلیق در سینمای تجربی معاصر» را در مواد تعلیقی فیلم می توان یافت که شاید با نحوه مشروعیت بخشی بعضی فیلم های تجربی فاصله داشته باشد. تعلیق عناصر فیلم تجربی در تشکیل ساختار که از خاصیت میدان ذهن فیلم ساز تجربی مبعوث می شود و با اهمیت بخشی به عناصر فیلم، قاب فاصله های آن جهان و این جهانی را معلق می گذارد و می تواند عنصری به هم ارزشی دیگر عناصر فیلم باشد. تعلیق در محدودیت های ساختاری فیلم تجربی با احتساب اینکه ذهن در حالت تجربی قرار بگیرد از تفاوت ها متنوع است. برای وضوح در مقایسه با سینمای کلاسیک یا شیوه سرمایه داری ناظر بر آن که عناصر در خدمت روایت و پیام نهایی اند تا تعیین سود و زیان جامعه را به وضعیت سیاسی بسپارند، در وضعیت تجربی عناصر فیلم آزادانه تر عمل می کنند و در ذهن سینماگر تجربی در حال بازی اند. از طرفی میدان ذهنی که در حال تجربه است، میدانی باز برای ورود داده هاست و روش شناخت و مشاهده ای ذهن تجربه گرا روش فهم مغایرت ها، نا همگونی ها، غیرها و دیگری هاست تا علاوه بر اینکه سوژه فعالی را دنبال می کند، محیطی که سوژه از آن می گذرد را نیز بشناسد. در این صورت اطراف و درک شرایط سوژه اهمیت می یابد و عناصر فیلم آرایش جدیدی به خود می گیرند. تعلیق و از تعلیق در آوردن جامعه عناصری فیلم تجربی می تواند بر همه عناصر اعمال شود و نه صرفا با برجسته کردن عنصر روایت که سینمای کلاسیک را احاطه کرده است. (در نگاه ساختاری و نه پدیدار شناسانه). در وضعیت تجربی به همان دلایلی که نظرگاه «من» را حمل می کند و شناختش اتمیزه است، علاوه بر اینکه فیلم ساز آن طور که خودش اراده کرده می بیند، عناصر فیلم هم در ذهنش می چرخند تا که به ساختمان جدید با قوانین خودش ختم به طی فرآیند سوژه شود. در ذهنیت سینمایی شاید عناصر فیلم به گونه دیگری باز شناسی شوند. عناصر منظور من که پیش از قواعد محدودیت بخش ساختار معلق اند؛ تعلیق در روایت و نه صرفا شیوه روایت، طرح اتفاق بر اثر اهمیت بخشی شیوه ترکیب اطلاعات، طرح موقعیت و جغرافیای عینی و ذهنی آن، تعلیق در طرح لوکیشن، تعلیق در شخصیت پردازی، در صداپردازی، در تصویرپردازی، در زاویه دید، در فضاسازی، در وضعیت راوی، در قاب، تعلیق در ریتم و تبدیل و تقطیع، تعلیق در شیوه به کار گیری ابزار، نسبت مولف و... هر چه میزان مشارکت عناصر برجسته در بافت فیلم بیشتر شود جامعه عناصری فیلم محل بازتری برای ورود صداهای متفاوت است که آزادانه در بافت معنا می نشینند تا زاویه ای آن را تفسیر کند. در نهایت حد نهایی دو شق کاملا متضاد با هم را فرض کنیم که سینمای ایران در فاصله آن معلق است:

بین سینمای کلاسیک که پایگاه فکری اش نگاه جمع گرا در اجتماع است (یا هر شیوه ای که نگاه فرمی اش به نتیجه گیری های سینمای کلاسیک ۱۹۲۵-۱۹۶۰ هالیوود آمریکا یا مکتب تدوین گریفیث روسی (کاشف هالیوود) نزدیک باشد) با سینمای تجربی که ذیل فردگرایی شکل گرفته جدال کل نگری و جزء نگری میان محصولاتشان است که روی جامعه کار و بازتاب دارند. خرد کل گرای حاکم به فیلم کلاسیک در مقابل خرد جزء گرای فیلم تجربی و کمی با تاخیر و تعلیق، پیام های سینمای تجربی در مقابل پیام سینمای کل گرای کلاسیک و شعرها در مقابل شعارها در قالب فرم با شکستن فرم دیگری قرار گرفته و به کار می رود. این جزء گرایی و پدیده جلوه گرفتن عناصر فیلم نزد سینماگر تجربی از سویی همراه با تکنیک ها و فرمول های جدید فیلم سازی و از سویی اکتشافی ست. اکتشافی که در ورود به موقعیت حاد سینمای ایران تاخیر دارد. اما پی بنای سینمای تجربی معاصر همین اکتشافی ست که شرایط تجربه در میدان ذهن (که جسم و دریافت های حسی را هم در خود حفظ می کند) و بسیج منابع در ساختن آن تکرار پذیر نیست. تاخیر دیگر فیلم تجربی از جانب نقد و جریان شناسی جمع گرای سینمای ایران و از جانب روشنمندان مقلد صاحب حکم صورت می گیرد و هر چند که وضعیت نقد به شکل رسمی و جریان شناسی سینما در روش تحلیل و میزان فهم از سینمای تجربی در تعلیق است اما قاب نهایی؛ سینمای تجربی معاصر ایران که مخاطب تجربه گرا یا غیر تجربه گرا تصور شفافی از آن ندارد چگونه می تواند در عرصه عمومی از تعلیق در هویت اش خارج شود و مبدل به سینمای تجربی ایران شود؟

»

خوانش شعری از فخرالدین سعیدی

این سر به زیری در من تاریخی ست

آیدا مجیدآبادی

این سربه زیری در من تاریخی ست
من توجیه شده ام که چگونه بچه‌های مرا سقط کنم
و دل ضعف هی فکرهای من از روایتهای پاستوریزه
و از پیراهنی ست که در زخم عوض کرده ام
آهای آبهای مسموم دربند!
که جهت می دهید به درختهای خیابان ولیعصر
این سر به زیری در من تاریخیست
و حقیقت سنگاست
و حقیقت شاخه ی شکسته ی بیداست
آهای گنجشک عدالت!

به من رجوع کن
و آوازهای زخمی ات را در من بکار
من اهل مکاشفه ام
پیامبری کوتاه قد
پیامبری بی کتاب
جغدی که روی خانه خرابی ی خود پر میریزد
تا در چاهی پا برهنه کند
که با یوسف برادری کرد
من روبروی آشپزخانه نشسته ام
قلب ام تیر می کشد
نبض ام هشتاد و هشت بار میزند
و حرفهای نارنجی اسمی بزرگ
هی کارد می شوند به پهلوهام
آهای خارخاسک عزیز!
مرا ببخش که پاچه ام را به ریشهای تو گیرداده ام
مرا ببخش که تاریخ را با یک پالتو
تنها پالتویی خاکستری می شناسم
مرا ببخش
من به فرهنگ عرب عجمی خود می بالم
دکمه های پیراهن ام را می گشایم
و زیپ شلوارم را روی ایدئولوژی بیگانه بالا می کشم
و می دانم این هوای لعنتی و سیگاراشن و تنها یک فکاهی تلخیست
فخرالدین سعیدی

درد صدای اصلی این شعر است که از همان سطر آغازین به شکل اعترافی آشکار نمود می یابد. دردی که از زخمهای اعصار گذشته سرچشمه یافته و هم اکنون نیز در تمام دریافت های فردی و جمعی راوی جریان دارد. لورن آسیلی (Loren Eisely) معتقد است که: «مغز انسان حاوی فسیل خاطرات دیرین اوست؛ همان‌گونه که لایه‌های زمین حاوی فسیل گربه‌های تیز دندان و هیولاهای شاخ‌دار است.» گرچه گفتمان مسلط این شعر دردی تاریخیست که من را وی را در منهای مکرر ونوعی مستحیل می سازد، اما به طرزی شگفت و به دور از تصنع گفتمان های دیگر را نیز در قالب تصاویری لحظه ای اما تأثیرگذار به مخاطب ارائه می دهد.

مکان و زمان در این شعر شناور است و راوی در لابه لای امواج تصاویر مهو وظاهر می شود.

«من توجیه شده ام که چگونه بچه‌های مرا سقط کنم»

همانگونه که مشاهده می شود من شاعر یک من جمعی و تاریخی است که حتی از مرزهای جنسیتی نیز عدول میکند و در این سطر، خود را در کالبد زنی به تصویر می کشد که برای سقط و در حقیقت قتل کودکان درونش توجیه شده است. این تشبیه پنهان به زیبایی و ظرافت تمام سرخوردگی ها و نا امیدی های تاریخی یک ملت را در طول قرن های متوالی تداعی می کند. چه چیزی دردناکتر و عجیبتر از اینکه یک زن به طور مداوم و با توجیه خود دست به سقط کودکانش بزند! و چه چیزی دردناک تر از این که یک ملت در طول اعصار متوالی، اسارت و ناکامی ها را بپذیرد! گویی این زخم، زخمی کهنه و موروثی است که اشخاص تنها می توانند پیراهن آن باشند و این آدمها و اعصار هستند که تغییر می کنند، وگرنه زخم همان زخم است و درد هم همان درد:

«و دل ضعفه ی فکرهای من از روایت های پاستوریزه
و از پیراهنی ست که در زخم عوض کرده ام»

شاعر در ادامه ی این سیالیت دردناک، گاه به خیابان ولیعصرمی رود و با بهره گیری از ظرفیت های استعاری و تناسب پذیر زبان فارسی (آب های دربند و درخت های ولیعصر) تصویر گر انسانهایی می شود که مسیر زندگیشان را تزریق افکار مسموم از پیش تعیین شده مشخص می کند.

گاه عدالت را که به شکل گنجشکی بی پناه و زخمی تجسم یافته است مورد خطاب قرار می دهد و خود را در قالب پیامبری بی کتاب و کوتاه قد که چون جغدی پر ریخته سرانجام از چاه سر در خواهد آورد.

گرچه انسجامی بسیار بسیار ظریف در ساختار عمودی شعر وجوددارد اما این انسجام به معنای وابستگی بیمارگونه ی عناصر به یکدیگر نیست. سیالیت معنا و آمد و رفت تصاویر آنقدر سریع و در عین حال نرم اتفاق می افتد که مدام مرکزیت را وی را تحت الشعاع قرار می دهد.. راوی درد می کشد، دردی تاریخی که از تناقض های فرهنگی مذهبی دوران گذشته آغاز شده و هویت جمعی و ملی او را به سخره گرفته است:

«من به فرهنگ عرب عجمی خود می بالم
دکمه های پیراهن ام را می گشایم

و زیپ شلوارم را روی ایدئولوژی بیگانه بالا می کشم»

این درد آنقدر در او نهادینه شده است که به اشیاء و عناصر و موجودات پیرامون او نیز سرایت کرده است یا از دید راوی اینگونه به نظر می آید.. همانگونه که در گذشته آزاد نبوده است هم اکنون نیز از اسارت رنج می کشد و به سوی ناامیدی وسرگردانی گام برمی دارد.....

ژاک قضاوقدری و مش‌قاسم

روح‌اله‌باقری

۱– در خواندن «ژاک قضاوقدری و اربابش» از #دنی_دیدرو ، کاراکتر «ژاک» به طرزی عجیب در نظرم آشنا می‌آمد و به نظرم می‌رسید که قبلاً این شخصیت را با رنگ و بوی ایرانی در داستانی فارسی دیده‌ام.

«ژاک» یک نوکر پُر حرف و وراج است که درباره همه‌چیز اظهار نظر می‌کند و برای اثبات حرف‌هایش تکه کلامی خاص (همه‌چیز را آن بالا نوشته‌اند...) را استفاده می‌کند.

پیدا کردن آن کاراکتر آشنا در بین آدم‌های رمان‌های فارسی، چندان سخت نبود: «مش قاسم» رمان «دایی جان ناپلئون» نوشته #ایرج_پزشکزاد و تکه کلام معروفش: «دروغ چرا؟ تا قبر آ آ آ...»

در اینترنت درباره این موضوع که؛ آیا قبلاً درباره تشابه این دو کاراکتر، کسی حرفی زده است یا نه، جست‌وجو می‌کردم که بر خوردم به مصاحبه آقای ابراهیم_یونسی در سال ۱۳۸۸ با «کتاب هفته» شماره ۱۷۹، که در آن جناب یونسی اذعان فرموده‌اند؛ رمان «دایی جان ناپلئون» عیناً از روی رمان «زندگی و عقاید تریسترام شندی» اثر لارنس استرن کپی‌برداری شده و صرفاً کاراکترها و وقایع آن بومی‌سازی و ایرانیزه شده‌اند. و جناب یونسی این رمان استرن را از روی لجبازی ترجمه کرده‌اند تا دست پزشکزاد را در نوشتن «دایی‌جان ناپلئون» رو کنند. (نقل به مضمون)

از طرفی دیگر؛ در مقدمه رمان «ژاک قضاوقدری و اربابش» نوشته #دنی_دیدرو ، مترجم؛ خانم مینو مشیری اشاره می‌فرمایند: «...زمانی که دیدرو «ژاک قضاوقدری» را می‌نویسد، سخت تحت تا ثیر یکی از پایه‌گذاران رمان نو در انگلستان، یعنی لارنس استرن (۱۷۶۸–۱۷۱۳) و اثر معروف نه جلدی‌اش «تریسترام شندی» است...» (ص ۱۶ مقدمه مترجم در «ژاک قضاوقدری و اربابش»، فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۶)

حالا پیدا کنیم پرتقال‌فروش را.

۲– «ایرانیزه کردن» و «بومی‌سازی» یک رمان خارجی را چه بنامیم:
بازنویسی به فارسی؟
ترجمه؟ سرقت؟ کپی‌برداری؟
مصادره به مطلوب؟ یا چه؟

اگر حکم بر «سرقت» است، پس بسیاری از رمان‌های مطرح فارسی که نسخه خارجی‌شان رو شده، هم سرقتی هستند؟

۳–من که از خواندن هم «دایی جان ناپلئون» (که به نظر می‌رسد یکی از موفق‌ترین رمان‌های فارسی باشد) و هم از خواندن «ژاک قضاوقدری و اربابش»، حظ بسیار بردم.

لازم آمد که تریسترام شندی را هم بخوانم.

از امضا مجاز تا جشن واقعیت

خسروبنایی

چند سالی هس که جشن امضا کتاب مد شده چه اون کسی که از نیمچه شهرتی برخورداره و چه اون کسی که کاملن به شهرت رسیده و احتمالن طرفداران زیادی داره . یکی از دوستان پایتخت نشین می گفت در یک انتشاراتی معروف زمان نمایشگاه کتاب کسی که تازه نویسنده شده بود ودر فضای فیس بوک و اینستگرام هزاران لایک و فالور داشت و در اثر تشویق طرفدارهاش تصمیم گرفت و یادداشت هاش رو در یه کتاب منتشر کرد و در روز جشن امضا که امروز نوعی جلوه گری سمبلیک گذار از مجاز به واقعیت هس ، جوهر خودکارش در اثر ازدحام طرفدارها برای امضا تموم شده بود ولی اون نویسنده معرف قدیمی که متاسفانه با مصلحت و ذوق روزگار حرکت نکرده بود و اصلن غیر از ادبیات اصیل (ادبیاتی که در لحظه آفرینش ،مولف فقط غوطه ور در آنات خلق اثره) که احتمالن به یه هستی شناسی و فرم و تکنیک زبانی منحصر به فردی رسیده بود و در نتیجه ده نفر هم درک اش نمی کردن ، بیکار و افسرده یه گوشه ای نشسته و مثل عاشق وانهاده لمبرک زده بود و به هزاره بعد فکر می کرد و احتمالن به سمیناری که برای هزاره تولدش گرفته بودند . من هم میگم بعید نیست خود حضرت حافظ که یه پا رند عالم سوز بود اگه زمون خودش جشن امضا می گرفت، بچه محل هاش هم نمی اومدن چون احتمالن ایشون رقیب عشقی زیادی داشتند و بی جهت هم نگفته :«ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی / دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی . «

شعر

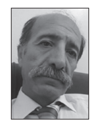

شعری از مظاهر شهامت

کدام کتاب را
با چه خطی از پرنده عجیب نوشته بودند
کدام کتاب را
خوانده بودم من
که می دانستم موهای جوگندمی هر زنی
با وزش باد
از خیابانی تاریک گذشته
ازجایی
که باران ماه اش را
که باران ماهاش را
پیش از برقراری هندسه کلمات
در ردیف دندان های به هم فشرده مردانی پنهان
تمام کرده بود ؟
در غار اول رسم التحریر
بعد از خط شاخ گوزن بر شمال یخ
که آمده بود از راستای وهم واژه ها
میان طنین آواز مردگان بر جدارکبود تاریخ
با هر نهیب باد
با هر نهیب باد
با هر نهیب باد
یک بار ورق خورده بود
خوانده بودم فصل به وفصل
و می دانستم هیچکس از اهالی هیچ شهری
نیست
از شهری دیگر آمده
و از شهری دیگر
و مانده تا باران ماه را ببیند
و بعد
هندسه کلمات به شکل ردیف دندان های به
هم فشرده برقرار شده بود
و خوانده بودم در فصل آخر :
انداخته بود سنگ
پرنده را بر کابوس شعری تاریک
و این
تاریخ اعتصاب دهان را آغاز کرده بود
هیچ فصلی به آخر نمی رسد
و نمی رسد هیچ فصل دیگر هم به آخر
مگر سوت قطار شنیده شود
ماه دوباره بتابد
و مردان پنهان
در راستای موهای جو گندمی هر زنی
به سوی شهر دیگری راه بروند

شعری از محمد مطلوب

از کوچه پرسیدند اسم عابرانش را
اما نگه میدارد آنهای زبانش را!
گم میشوم در عابرانی که نمی آیند
گم میکنم با رد پاهایش نشانش را
می ایستم در میزنم وا میشود خالی
انگار خالی کرده جایی ساکنانش را
دیگر نمی پیچد میان بادها حتا
بر باد داده بادهای گیسوانش را
حالای تیر انداختن اینجاست اما باز
آرش به همراهش نیاورده کمانش را
هر جای این را قصه می خوانم تفاوتهاست
یوسف به زندان کرده حتا خواهرانش را
از شاخه ی بی برگ هم بر خاک می ریزند
معشوقه ای از هست داده عاشقانش را
هر روز کشف تازه ای گم کرد دنیا را
یک روز پیدا میکنم نصف النهانش را!

شعری از علی‌سادین

عشق بازی می کند با قلب هر دلداده ای
کیش و ماتم می کنی با هر نگاه ساده ای
چرخ گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت
دائما یکسان نباشد حال هر افتاده ای
با کبوترهای چاهی هم نشینی می کند
کار دست قلب بیمار زلیخا داده ای
عطر موهایت پر از مشروطه های شاعری ست
لابه لای جنگل خود میرزاها زاده ای
ماه من لب تر کنی دل را به ساحل می کشد
عشق همچون موج های پیش پا افتاده ای
دست برمی دارم از این کاغذ کاهی شبی
که ببینم پاسخ این شعر ها را داده ای

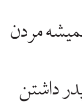

شعری از آذردخت ضیایی

و نامت را که نه
نسبتت را سه بار تکرار می کنم
شاید برخیزی و اینبار
از پیش زنده تر شوی
شاید پشیمان شده باشی از همیشه مردن
آن سوی دستهایم را بگیر
بلند شو بگو که هنوز برای پدر داشتن
فرصتی دارم
بگذار فرزندی دوباره شوم
عروسکی که مشکی موهایش
به تو رفته باشند
و.زخمی دستهایش
و زخمی رگهایش
و زخمی که کاش...
تو برخیزی و. بابا شوی